

بررسی وظایف فعالان تأثیرگذار در فضای مجازی

محمدحسن وکیلی^۱

محمد دانش نهاد^۲

چکیده

یکی از ارکان اساسی فضای رسانه، فعالان تأثیرگذار در چنین عرصه‌ای هستند که با تولیدات خود مخاطبان را به سمت امور گوناگونی همچون مسائل مذهبی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سوق می‌دهند. دین مبین اسلام در خصوص اصل موضوع، میزان و عرصه ورود به چنین فضایی رهنمودهایی ارائه نموده است که این رهنمودها به نگرش کلان، راهبردها و راهکارها تقسیم می‌شوند. نگرش کلان اسلام از منظر اخلاقی جهت ورود به فضای مجازی، لزوم خودسازی است؛ چراکه غرض اساسی خلقت انسان، عبودیت و حرکت در مسیر توحید است. راهبرد اسلام برای نیل به چنین نگرشی تقدم خودسازی بر جامعه‌سازی است و راهکارهای خودسازی در دید کلان توجه به اموری است که در فضای مجازی موجب دوری از دنیا، رغبت به آخرت و آمادگی برای مرگ شود. برای دستیابی به چنین اغراضی، باید به مواردی همچون انجام عبادات در بهترین اوقات خود پرداخت. در این تحقیق، ابتدا نگرش کلان و راهبرد اسلام مورد تبیین قرار می‌گیرد و در گام بعدی راهکارهایی برای تحقق راهبردها ارائه می‌گردد. در گام نهایی نیز برخی از احکام فقهی مورد نیاز فعالان رسانه طرح خواهد شد. از جمله نتایج تحقیق آنکه فعالیت رسانه‌ای بدون خودسازی، منشأ اثر نیست؛ خودسازی بر جامعه‌سازی تقدم دارد چراکه کمال طلبی ذاتی انسان است و هیچ انسانی مصلحت غیر را بر ضرر خود مقدم نمی‌نماید. فعالان رسانه در جبهه حق قصد تأثیرگذاری بر روح مخاطب را دارند که چنین عملی جز از طریق اخلاص ممکن نیست.

کلیدواژه‌ها: فضای مجازی، اخلاق اسلامی، خودسازی، احکام فقهی رسانه.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۲

۱. استاد سطح چهار حوزه علمیه خراسان

۲. طلبه سطح سه حوزه علمیه خراسان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹

mohammadhasanvakili@gmail.com

m_borosdar@yahoo.com

مقدمه

فعالان فضای رسانه به دو بخش مصرف‌کننده و تولیدکننده تقسیم می‌شوند که هر یک موظف به رعایت اموری هستند؛ چراکه در دین مبین اسلام، هر شخصی متناسب با جایگاه خود در قبال اموری مسئولیت دارد.^۱ (ورام، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶؛ ابن طاووس، ۱۳۷۵، ص ۸۸) به‌عنوان نمونه مصرف‌کنندگان پیش از ورود به فضای مجازی باید به تفکیک نیازهای واقعی و کاذب بپردازند و براساس نیازهای واقعی به فضای مجازی ورود کنند و نیازهای واقعی خود را تأمین نمایند؛ اما تأثیرگذاران بر فضای مجازی که به دنبال تولید محتوا هستند باید محتوایی تولید نمایند که مطابق با نیازهای واقعی افراد باشد و یا آن که اگر اینچنین نیست، لااقل زمینه‌ساز سوق افراد از توجه به نیازهای کاذب به نیازهای واقعی گردد. به‌عبارت‌دیگر عملکرد مصرف‌کنندگان انفعالی و واکنشی است که باید با توجه به نیازهای واقعی چنین عملکردی را رقم بزنند؛ اما عملکرد تأثیرگذاران در فضای مجازی فعلی و کنشی است به‌گونه‌ای که می‌تواند نیازهای کاذب و حقیقی مخاطبان را به آن‌ها گوشزد نماید و میل حرکت به سمت تأمین نیازهای واقعی و کنارزدن نیازهای کاذب را ایجاد نمایند. (ر.ک. وکیلی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳)

خودسازی، نگرش کلان اسلام برای فعالان رسانه

در باب فضای مجازی دو سؤال اساسی وجود دارد؛ اول، آیا باید وارد فضای مجازی شد؟ دوم، در صورت ورود به فضای مجازی تا چه اندازه باید وارد شد و چه اموری را باید رعایت نمود؟ برای پاسخ به این دو سؤال باید ملاک‌هایی را ارائه نمود تا طبق آن بتوان به این سؤال‌ها پاسخ داد.

یکی از معیارها و اصول اساسی برای فعالان رسانه این است که در عرصه چنین فعالیت‌هایی، فعالیت اجتماعی و جامعه‌سازی باید در راستای خودسازی قرار گیرد. به‌عبارت‌دیگر، اگرچه جامعه و فرد هر یک بر دیگری اثراتی دارند، اما به‌عنوان یک اصل اساسی، باید نقطه آغاز جامعه‌سازی را خودسازی دانست، نه بالعکس. در حالی که بسیاری از افراد یا وظیفه‌ای به نام خودسازی را قبول ندارند و یا در صورت پذیرش چنین اصلی، اصل جامعه‌سازی را در مقابل آن، وظیفه مستقلی می‌پندارند. آنچه



در اسلام بر آن تأکید شده خودسازی است که به تبع آن جامعه‌سازی نیز می‌تواند رقم بخورد، چنان‌که در آیات قرآن کریم بر این امر تصریح شده است^۲ (انفال/۲۹) که در صورت ایمان حقیقی و تقوای از خداوند متعال - که وظیفه تک‌تک افراد مسلمان است - ملاک تمیز حق از باطل به افراد عنایت می‌گردد (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۷۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۰) و برکات آسمان و زمین بر شما نازل می‌گردد؛^۳ (اعراف/۹۶) یکی از آن برکات می‌تواند اصلاح جامعه باشد. (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۵؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۷۸) نتیجه آنکه هیچ‌گاه در اسلام بروظیفه جامعه‌سازی بدون توجه به خودسازی پرداخته نشده است و در صورتی که فرد مخیر شود که خود را اصلاح نماید یا جامعه را، پرداختن به امور جامعه شرعاً و اخلاقاً جایز نخواهد بود.^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴، ص ۷۹؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۲۱) هدف اساسی زندگی از نگاه دین مبین اسلام، خودسازی است (رعد/۱۱) که در صورت همراهی جامعه با اهداف اسلامی، گاهی به تبع آن جامعه‌سازی نیز محقق می‌گردد^۵ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۱۶۰) و گاهی چنین چیزی صورت نمی‌پذیرد.

در دستورات دینی ثمرات فراوانی بر خدمت به خلق مترتب گردیده است به گونه‌ای که احیای جان یک نفر معادل احیای جان تمامی افراد و میراندن یک شخص معادل میراندن تمام بشریت تلقی گردیده است.^۶ (مائده/۳۲) علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۳۲ سوره مائده می‌فرماید:

«این آیه کنایه است از اینکه انسان‌ها همگی یک حقیقتند و یک فرد از انسان‌ها و همه انسان‌ها در آن حقیقت مساویند، پس اگر کسی به یکی از انسان‌ها سوء قصد کند گویی به همه سوء قصد کرده است، زیرا که به انسانیت سوء قصد کرده که در همه یکی است.» ایشان در ادامه می‌فرماید: «مراد از زنده کردن یک انسان، آفریدن یک انسان زنده و یا زنده کردن یک انسان مرده نیست، بلکه مراد از آن چیزی است که در عرف عقلا احیاء شمرده شود، عقلاً وقتی طبیب بیماری را معالجه می‌کند و یا غواص غرقی را از غرق نجات می‌دهد و یا شخصی اسیری را از دست دشمن رها می‌سازد، می‌گویند فلانی، فلان شخص را زنده کرد، خدای تعالی نیز در کلام مجیدش از اینگونه تعبیرها دارد، مثلاً هدایت به سوی حق را احیاء خوانده و فرموده است: «أَوْمَنْ كَانَ



مَيْتًا فَأَخْيِينَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» (انعام/۱۲۲)، پس به حکم این آیه کسی که گمراهی را به سوی ایمان راهنمایی کند او را زنده کرده است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۱۹) اما دایره این خدمت تا زمانی ادامه خواهد داشت که خدمت به خلق، در مقابل خدمت به خالق و وظیفه عبودیت و بندگی در برابر خالق قرار نگیرد. (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۸۸۴؛ برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۴۶) چنانکه قرآن کریم به صراحت و شفافیت بر وظیفه انسان‌ها در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده/۱۰۵) تأکید می‌نماید که باید به خودسازی پرداختید چراکه در صورت هدایت یافتن، هیچ ضرری به شما از جانب اغیار گمراه نخواهد رسید. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۰۸)

نکته‌ای که در این زمینه باید مورد توجه قرار داد این است که مقصود از وظیفه خودسازی رهبانیت و کناره‌گرفتن از جامعه و پرداختن به خود نیست،^۷ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۳۸؛ جیلانی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۲۲۷) بلکه مقصود از خودسازی این است که افزون بر وظایف فردی باید به وظایف اجتماعی مانند خدمت به خلق نیز همت گماشت.^۸ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۴؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۴۱) در واقع هدف از خدمت به خلق، خودسازی است و به خودی خود مطلوبیت ندارد.

به‌عنوان نمونه یکی از موارد خدمت به خلق، کمک به فقرا است.^۹ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۵۴۸) زمانی که شخص به فقیر کمک می‌نماید، نفس فقیرشادمان می‌گردد که این شادمانی به دنبال خود آثاری ملکوتی برای شخص را پدید می‌آورد که کمتر می‌توان چنین آثاری را در موارد دیگر پیدا کرد. هدف از کمک به فقرا باید تقرب به درگاه خداوند متعال باشد و شادمانی فقیر موضوعیت ندارد، بلکه شادمانی وی در صورتی که در راستای شادمانی خداوند متعال باشد ارزشمند می‌گردد. نشانه موضوعیت ندادن به شادمانی فقیر این است که اگر وی در مقابل چنین عطایی تشکر ننماید، ناخرسندی در وجود شخص پدید نیاید، چراکه هدف شخص از انفاق حرکت به سمت خداوند متعال بوده است و شخص اجر خود را تنها از خداوند متعال مطالبه می‌نماید.

نمونه دیگر در این زمینه، ارشاد و هدایت افراد است به‌گونه‌ای که اگر یک فرد،

کسی را از ضلالت به هدایت برساند، اثراتی نورانی برای ارشادکننده پدید می‌آید به‌گونه‌ای که به تعبیر روایت از هرآن چیزی که خورشید بر آن طلوع نموده برتر است.^{۱۰} (جعفرین محمد، ۱۴۰۰، ص ۱۹۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۴۱) لذا هدایت دیگران نیز به جهت ترتب آثار ملکوتی بر شخص ارشادکننده اهمیت دارد، اما زمانی که بر چنین عملی غایت خودسازی مترتب نگردد، از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

نتیجه چنین نگاه کلان و اساسی این است که فعالان فضای مجازی پیش از آنکه عرصه فعالیت‌های اجتماعی خود را معین نمایند، باید رابطه چنین فعالیت‌هایی با تعالی و پیشرفت معنوی خود را پیش از چنین فعالیت‌هایی بسنجند که در صورت ترتب آثار معنوی بر آن می‌توان به چنین عرصه‌ای ورود نمود. یکی از ملاک‌ها برای فعالان رسانه‌های اجتماعی توجه به این نکته است که فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها چه نقشی در خودسازی آن‌ها ایفا می‌نماید؟

❁ علل ضرورت خودسازی برای فعالان رسانه

به‌طور کلی ضرورت خودسازی فعالان رسانه را می‌توان در دو امر لحاظ نمود که یکی مربوط به ذات و حقیقت فضای رسانه است و دیگری مربوط به عوارضی است که در برخی از فضاها رسانه پدید می‌آید، بدون آن که حقیقت رسانه وابسته به وجود چنین حالاتی باشد.

۱- ورود در فضای رسانه، ضرورت خودسازی را چند برابر می‌نماید، زیرا عرصه رسانه دقیقاً در برابر تهذیب نفس قرار می‌گیرد، چراکه فضای تهذیب نفس فضایی آکنده از آرامش و آسایش است و فرد در آن از کثرت‌های دنیوی و مشغولیت‌های درونی فاصله گرفته و تنها به ذکر خداوند متعال مشغول و متمرکز می‌گردد که به تعبیر برخی از آیات قرآن کریم، تنها از طریق ذکر و یاد الهی است که آرامش در قلوب پدید می‌آید^{۱۱} (رعد/ ۲۸) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۴۷؛ رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۲۱۸) و بدون آن، حتی با فراهم بودن امکانات مادی، زندگی تنگ و پرمشغله‌ای برای فرد رقم می‌خورد.^{۱۲} (طه/ ۱۲۴) (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۴۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۹۵) در چنین حالتی به تعبیر قرآن کریم، انسان دارای ارباب متفرقی می‌گردد که هر یک او را مشغول به امور گوناگونی



می‌نمایند (یوسف/۳۹) و از آنجا که هیچ‌یک نیاز فطری او یعنی رسیدن به کمال را تأمین نمی‌نمایند، شخص در حیرت کامل و ظلمات غرق می‌گردد. (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۶۹؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۹۳) بر همین اساس غایت شریعت، اصل ذکر الله و دوام آن است تا با بهره‌گیری از چنین یادی بتواند به آرامش دست یابد.

بنابراین حضور در فضای رسانه تا جایی معنا دارد که وظیفه الهی بر چنین حضوری احساس گردد و از غیر آن بایستی عزلت اختیار نمود. چنانکه در دستورات اخلاقی بر صمت^{۱۳} (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۴۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۸) اشاره شده است که بر طبق آن در مواردی که صحبت نمودن موجب هیچ نفع دنیوی و اخروی نمی‌گردد باید سکوت اختیار نمود.

رسانه در میان فعالیت‌های اجتماعی از کثرت و دغدغه بیشتری برخوردار است و در بین رسانه‌ها، رسانه تصویری بیشتر دغدغه‌آفرین است. در میان ادراکات انسان آنچه بیشتر در حافظه انسان ضبط می‌گردد و انسان را به خود مشغول می‌نماید ابتدا چشم و پس از آن گوش است. به همین خاطر بیش از موارد ضرورت نباید خود را مشغول عالم کثرت نمود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶) چرا که تماشای تصاویر و شنیدن اصوات موجب می‌گردد تصاویر و اصوات در ذهن ذخیره شده و انسان را به محفوظات خود سرگرم نماید و جایی برای آرامش و ذکر و یاد خدا باقی نگذارد؛ چنانکه در میراث اسلامی، شریعت با هنرهای تصویری رابطه تأییدکننده‌ای برقرار ننموده است. یکی از آثار بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رشد تمدن علمی بود که به تدریج به تمدن اسلامی منجر گردید و انواع علوم اسلامی در جامعه اسلامی رواج پیدا نمودند، چراکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله دائم بر تحصیل علم تشویق می‌نمودند، (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲؛ ابن اشعث، [بی‌تا]، ص ۲۳۵) اما هیچ‌گاه در میان آیات و روایات موردی مشاهده نگردید که در آن هنر نقاشی و مجسمه‌سازی در جامعه اسلامی رواج داده شود، بلکه به شدت در برابر چنین مسأله‌ای ایستادگی نمودند^{۱۴} (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۵) و برخی از اقسام آن همچون نقاشی موجودات جاندار را حرام یا مکروه اعلام نمودند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۵۴) به‌گونه‌ای که فرهنگ نقاشی از جامعه اسلامی رخت بریست. دین مبین اسلام با هنر و لطافت نفس مخالفتی ندارد چراکه این دین مبتنی بر فطرت و ساختمان وجودی انسان‌ها شکل

گرفته است.^{۱۵} (روم/۳۰) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۶۶؛ کرمی، ۱۴۰۲، ج ۶، ص ۲۴۱) علت مخالفت اسلام با چنین مواردی را باید در آثار سوئی که در آن زمان بر آن مرتب می‌گردید، جست که این آثار سوء موجب می‌گردید مسلمانان از اغراض اصلی دین غافل گردند. یکی از آثار سوء آن اموری همچون شباهت یافتن به بت پرستان می‌تواند باشد، چنانکه در ادله، مسلمانان از تشبه به غیرمسلمانان برحذر داشته شده‌اند.^{۱۶} (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۴۴۰) علاوه بر آن همان مشغولیت‌های ذهنی هنرهای بصری و دوری از معنویت و تجرد است در حالی که اهداف ادیان الهی، رفع مشغولیت‌ها و ایجاد فضای آرامش درونی برای خلوت نمودن با خداوند متعال است. اسلام به حسب حکم اولی و در شرایط عادی در برابر هنرهای بصری به جهت مشغولیت‌آفرینی آن ایستاد، اما در فضای کنونی که دشمنان اسلام با انواع رسانه‌های بصری و سمعی در حال ضربه زدن به دین مبین اسلام و مسلمانان هستند، شرایط اضطراری صورت پذیرفته و احکام ثانوی به میزان ضرورت جایگزین احکام اولی می‌گردند و اهل حق نیز باید در برابر فضای باطل از رسانه‌های سمعی و بصری در جهت پیش‌برد اغراض اسلام و ضربه زدن حداکثری به دشمن استفاده نمایند، چنانکه در آیه ۶۰ سوره انفال^{۱۷} بر این مسئولیت جمعی مسلمانان اشاره شده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۵۲؛ زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۰، ص ۵۰)

براین اساس پرداختن به فضای رسانه‌ای یک وظیفه است، اما به جهت وجود عوامل غفلت‌آفرین فراوان در چنین فضایی باید شخصی که در این عرصه فعالیت می‌نماید بیش از افرادی که به این عرصه ورود نموده‌اند، ارتباط خود با خداوند متعال را تقویت نمایند.

۲- فضای رسانه علاوه بر آلودگی‌های عملی و مشغولیت‌های درونی، در برخی موارد آلودگی علمی و اعتقادی نیز به همراه دارد و آکنده از شبهات و سؤالاتی است که به آن‌ها پاسخ صریح داده نشده است و موجب تزلزل در اعتقادات دینی می‌گردد. ورود به فضایی که زمینه تزلزل در اعتقادات دینی را فراهم نماید، بی‌تردید از لحاظ شرعی حرام خواهد بود و باید از باب دفع ضرر محتمل از چنین اموری اجتناب نمود. در روایات نیز ارتکاب امور شبهه‌ناک به شدت مذمت گردیده و عواقب سوئی برای آن بیان شده است.^{۱۸} (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۷۲) چنین حکمی بر بسیاری از نوجوانان



و جوانان که به فضاهای شبهه افکن وارد می‌گردند مترتب می‌گردد، زیرا به جهت عدم برخورداری از آگاهی کافی و عدم دسترسی به افراد خبره متعهد اعتقادات دینی‌شان متزلزل می‌گردد و تنها در صورتی حکم حرمت مرتفع می‌گردد که عرصه ورود آن‌ها کنترل گردد، به‌گونه‌ای که شبهات نتواند سلامت دینی آن‌ها را مورد حمله قرار دهد. فلسفه حکم حرمت در این موارد نیز کاملاً امری عقلایی است؛ چراکه در دین مبین اسلام ارزش روح انسان بیش از بدن است و همانگونه که ورود در مسیری که جسم انسان‌ها را مورد خطر می‌دهد، حرام است، به طریق اولی ورود در مسیری که روح انسان را در معرض خطر قرار می‌دهد نیز حرام خواهد بود.

❁ راهبرد تقدم خودسازی بر جامعه‌سازی

بر اساس نگرش کلی اسلام در باب فضای مجازی که همان خودسازی است، حال باید به راهبرد دین مبین اسلام برای اجرایی نمودن چنین نگرشی از طریق راهبردها پرداخت. یکی از راهبردهای اساسی برای تحقق چنین نگرشی، در صورت تزامم خودسازی با جامعه‌سازی به‌گونه‌ای که فعال رسانه‌ای تنها مخیر میان یکی از آن دو گردد، این است که خودسازی باید بر جامعه‌سازی مقدم گردد.

افرادی که برای جامعه‌سازی اهمیت بسزایی قائلند، آن را در عرض خودسازی بلکه در مرتبه‌ای بالاتر از آن قرار می‌دهند؛ آن‌ها خود را از خودسازی فارغ می‌نمایند و تنها به جامعه‌سازی می‌پردازند، به‌گونه‌ای که زمان فعالیت‌های عبادی خود همچون نماز شب و کیفیت آن همچون داشتن حضور قلب را قربانی پرداختن به امور جامعه می‌نمایند. چنین عملکردی نه تنها هیچ ریشه‌ای در دین مبین اسلام ندارد، بلکه دقیقاً در مقابل نگرش کلی اسلام مبتنی بر خودسازی قرار می‌گیرد. ائمه معصومین علیهم‌السلام همواره بر انجام امور عبادی فردی با کیفیت تکیه می‌نمودند،^{۱۹} (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۱، ص ۲۳-۲۴) در حالی که در پرداختن به امور اجتماعی و رسیدگی به امور خلق نیز تا حد ممکن در اوج قرار داشتند و هیچگاه پرداختن به امور اجتماعی موجبات نپرداختن به امور عبادی‌شان را فراهم نمی‌نمود و در صورت تزامم این دو با یکدیگر که در واقع تزامم اصلاح خود یا جامعه بود، اصلاح خود را بر اصلاح جامعه‌ای که منجر



به افساد خود گردد، ترجیح می‌دادند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «برای این که شما را اصلاح کنم خود را به تباهی و فساد نمی‌کشانم.»^{۲۰} (هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۱۲۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۴، ص ۷۹)

بنابراین، اصل اساسی در پرداختن به فضای مجازی برای افراد تأثیرگذار این است که فعالیت‌های اجتماعی موضوعیت ندارند، بلکه باید طریقی برای رسیدن به عبودیت و بندگی باشد، به‌گونه‌ای که اگر فعالیت‌های مجازی، حضور قلب انسان را پایین آورد، باید کنار گذاشته شود و یا این که اقداماتی تکمیلی از طریق افزایش کمی و کیفی عبادات در نظر گرفته شود تا حداقل حضور قلب پیشین از میان نرود.

❁ فلسفه تقدم خودسازی بر جامعه‌سازی

در شرع مقدس اسلام، ایثاری که به افساد نفس و اصلاح جامعه منتهی شود جایز دانسته نشده است که باید به دنبال چرایی چنین مبنایی برآمد. در دین اسلام موارد بسیاری مصداق ایثار قرار گرفته‌اند، همچون ایثار در مال^{۲۱} (ابن بابویه، ۱۴۰۲، ص ۴۲) یا ایثار در سلامت جسمانی به‌گونه‌ای که رزمندگان سپاه اسلام در جنگ برخی اعضای خود را از دست می‌دهند تا امنیت برای جامعه فراهم گردد. حتی ایثار در جان نیز وجود دارد به‌گونه‌ای که برخی جان خود را در طبق اخلاص می‌گذارند و جهاد می‌نمایند تا امنیت جامعه اسلامی فراهم گردد.^{۲۲} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴؛ ثقفی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۲۶) اما آنچه مستثنا گردیده، ایثار نسبت به نفس و حقیقت انسان است؛ یعنی انسان نباید از نظر درجات عبودیت سقوط نماید تا عده‌ای به سمت معنویت حرکت نمایند. جهت دستیابی به چرایی این مطلب ادله زیر بیان می‌شود:

۱. انسان موجودی مختار است^{۲۳} (انسان / ۳) و افعال اختیاری وی بر اساس جلب منفعت یا دفع ضرر صورت می‌پذیرد و همیشه در تمام امور به دنبال انجام مواردی است که نسبت به سایر موارد از لذت و نفع بیشتر برخوردار باشد. این خصوصیت کمال طلبی ذاتی تمام انسان‌ها است و نمی‌توان آن را از انسان‌ها جدا نمود. (وکیلی، ۱۳۹۷، ص ۲۴) اگر افرادی حاضر می‌شوند عضوی از اعضای خود را یا جان خود را در



راه اسلام بدهند، منافاتی با این قاعده فطری ندارد، زیرا انجام این امور و تحمل چنین سختی‌هایی، جهت نیل به لذاتی بالاتر از آن است. بر این اساس شهادت، نه تنها هلاکت نیست، بلکه دستیابی به حیاتی برتر است که در برخی از آیات قرآن کریم به آن اشاره شده است.^{۲۴} (آل عمران/۱۶۹) اما ایثار انسان از معنویت و حقیقت خود، برای رساندن افراد دیگر به معنویت، امری است که با قاعده فطری کمال طلبی منافات دارد، زیرا در چنین حالتی ضرری بر انسان مترتب می‌گردد، بدون آن که به نفعی مساوی یا بالاتر از آن دست یابد. لذا در جوامع غیرالهی و مادی که اعتقادی به خداوند متعال و معاد ندارند از لحاظ عقلی توجیهی برای به خطر انداختن جان خود در میدان‌های جنگ باقی نمی‌ماند، چراکه چنین عملی تنها به جلب ضرر می‌انجامد، بدون آنکه منفعتی کسب شود. بر این اساس یکی از علل تقدم خودسازی بر دیگرسازی یا جامعه‌سازی آن است که فطرت انسان کمال طلب است و هیچ‌گاه حاضر نمی‌گردد برای این که به دیگری نفعی برسد، ضرری را بر خود مترتب نماید.

۲. کارهای رسانه‌ای جبهه حق غایت و غرضی جز حرکت دادن انسان‌ها به سمت خداوند متعال و عبودیت و بندگی ندارند، چنانکه قرآن کریم در آیات بسیاری، فلسفه خلقت جن و انس، عبودیت (ذاریات/۵۶) و صعود به سمت خداوند متعال (بقره/۱۵۶) و مشرف شدن به لقای الهی بیان کرده است. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۳۱) هدایت افراد به سمت خداوند متعال از جمله امور دشواری است که صرفاً با گفتگوهای عادی صورت نمی‌پذیرد. در آیات قرآن کریم به این نکته اشاره شده است که حتی رسول الهی نیز به تنهایی نمی‌تواند هدایت افراد را برعهده بگیرد،^{۲۵} (بقره/۲۷۲) بلکه هدایت انسان‌ها تحت اراده، اختیار و مشیت خداوند متعال صورت می‌پذیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۱۱) تأثیرگذاری افراد در فضاهای گوناگون از جمله فضای مجازی، تابع نیت‌ها و تصمیمات درونی انسان‌ها است؛ هرچقدر نیت‌ها خالص‌تر گردد و قلب انسان به خداوند متعال اتصال بیشتری یابد، میزان تأثیرگذاری آن نیز بیشتر خواهد بود.^{۲۶} (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۵۴) اگر فعالان فرهنگی جبهه حق در فضای رسانه حقیقتاً به این اعتقاد دست یابند که مخاطب آن‌ها، قلب و روح افراد است، نه ظواهر آن‌ها، به‌گونه‌ای که باید درون دیگران را متحول نمود نه فقط سکناات ظاهری را، نقش

پرداختن به خودسازی واضح‌تر می‌گردد؛ چراکه از این طریق به نورانیت دست یافته و افعالی که انجام می‌دهد، مبتنی بر حق و مشیت الهی خواهد بود و ضریب تأثیرگذاری عملکرد وی ارتقا می‌یابد. در تاریخ مشاهده شده است که شنیدن یک آیه شریفه از قرآن کریم^{۲۷} (حدید/۱۶) زندگی فردی را هزن را متحول نموده و وی را به سمت پارسایی سوق داده است. (طبری، ۱۳۵۶، ج ۷، ص ۱۸۱۱) لذا برای بالابردن ضریب تأثیرگذاری در فضای رسانه باید پیش از تولیداتی که صورت می‌پذیرد، به اموری همچون توکل به خداوند متعال، تضرع در بارگاه الهی و توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداخت. بدون توجه به چنین امور معنوی، تولیداتی که صورت می‌پذیرد یا منشأ اثر نخواهد بود یا در لایه‌های سطحی مخاطب اثر می‌گذارد، بدون آنکه تأثیری در عمق جان مخاطب داشته باشد. ملاک موفقیت در چنین فضایی نیز تأثیرات فوری و ظاهری تولیدات رسانه‌ای نیست، بلکه اگر چنین تولیداتی اثری آنی و کوتاه‌مدت نداشته باشند، اما دارای آثار بلندمدت باشند، چنین تولیدی در واقع موفقیت‌آمیز عمل نموده است.

❖ راهکارهای خودسازی برای فعالان رسانه

از آنجا که غرض از خودسازی، کسب حضور قلب و حرکت در مسیر بندگی و توحید است، راهکارهایی که برای خودسازی مطرح می‌گردد، باید هم‌سو با چنین سیری باشد. در لسان روایات به‌طور کلی سه راهکار ارائه گردیده است که عبارت‌اند از: دوری از مادیات، رغبت به زندگی اخروی و آمادگی و استعداد برای مرگ.^{۲۸} (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۴۴۷؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۴۸) با توجه به نگرش کلی خودسازی فعالان رسانه، ایشان باید در تمام لحظات فعالیت‌های خود در عرصه رسانه را با این سه شاخص ارزیابی نمایند. حتی می‌توان گفت باید پیش از ورود به عرصه رسانه به این سه امر توجه نمایند و بر اساس آن عرصه‌های فعالیت خود را انتخاب نمایند. از آنجا که این سه راهکار کلی هستند، ائمه معصومین علیهم‌السلام برنامه‌هایی جزئی‌تر برای دستیابی به این سه امر را تبیین نموده‌اند.

از جمله این موارد، نامه امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر است که می‌تواند سند رسمی برای فعالان در فضاهای رسانه‌ای قرار گیرد. امام علی علیه‌السلام در بخشی از این نامه



می‌فرمایند: «در تقسیم اوقات شبانه‌روز، باید بهترین ساعات برای برقراری ارتباط با خداوند متعال قرار داده شود.» (علی بن ابی طالب، ۱۴۱۴، ص ۳۷۹). بهترین ساعات، سحر، بین الطلوعین، ساعات نماز اول وقت و سایر زمان‌هایی است که در لسان ادله بر لزوم توجه به عظمت آن تأکید شده است. اگر چنین اوقاتی به ارتباط عبد با خداوند متعال اختصاص یابد، شخص از نورانیت و قدرت خاصی برخوردار می‌گردد که در امور دیگر همچون پرداختن به جامعه نیز بیش از دیگران منشأ اثر خواهد بود. در حالی که اگر شخص ارتباط خود با خداوند متعال را مستحکم ننماید و تنها به امور جامعه بپردازد، نه تنها از وظیفه خود که خودسازی است باز می‌ماند، بلکه در تأثیرات خود بر جامعه نیز توفیق چندانی کسب نمی‌نماید. (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۵۹)

یکی از دستورات، خواندن نماز شب است (علی بن موسی، ۱۴۰۶، ص ۱۳۷) چنانکه خداوند متعال نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مسلماً نماز و عبادت شبانه برای پیمودن مسیر عبودیت پابرجاتر و بااستقامت‌تر است.»^{۲۹} (مزمّل / ۶) در حالی که در روز شخص کمتر می‌تواند به ارتباط خود با خداوند متعال بپردازد، زیرا به تعبیر قرآن، انسان در فضای جامعه شناور می‌گردد.^{۳۰} (مزمّل / ۷) به عبارت دیگر در روز، کثرت عالم بیشتر نمایان می‌گردد، اما در شب فضای وحدت عالم بیشتر حکم فرما است و اسباب حضور قلب در آن فراهم می‌گردد. لذا باید از فرصتی که در شب وجود دارد استفاده نمود تا فضای کثرت روز انسان را به خود مشغول ننماید و بتواند در برابر فضاهای غفلت‌آفرین اندوخته‌ای از یاد خدا به همراه داشته باشد.

❁ احکام فقهی فعالان رسانه

عرصه فضای رسانه از حساسیت بالایی برخوردار است، چراکه تأثیرات گسترده آن به‌گونه‌ای که اگر از چنین فضایی در جهت پایه‌گذاری سنت‌های اسلامی استفاده شود، از ثمرات معنوی و ملکوتی آن در جهت خودسازی می‌توان بهره‌مند گردید، اما چنانچه زمینه‌ساز سنت‌های سوء در جامعه اسلامی گردد، عواقب آن دامن‌گیر خواهد شد و تبدیل به سدی محکم در برابر خودسازی و رسیدن به مقام توحید و بندگی می‌گردد. در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام آثار سنت‌های حسنه و سیئه مورد توجه قرار

گرفته است. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹)

حساسیت احکام فقهی در باب فضای مجازی به گونه ای است که جبران آن در بسیاری از موارد متعذر یا متعسر خواهد بود. به عنوان نمونه یکی از گناهان متداول در فضای مجازی، مواردی است که موجب می گردد حقوق افراد محترم، مورد تعرض قرار گیرد که به جهت گسترده بودن فضای مجازی، دسترسی به مخاطبی که مورد بی احترامی قرار گرفته، غالب اوقات مشکل یا ناممکن است. علاوه بر این، نشر امور بی پایه و اساس، در برخی موارد موجب انحراف اعتقادی مخاطبان می شود. توبه نسردهنده آن محتوا نیز مقبول درگاه حضرت قرار نمی گیرد، مگر زمانی که تمام افرادی را که منحرف نموده به مسیر هدایت برگرداند.

در احکام شرعی برخی موارد از احکام الزامی، مستثنا گردیده اند که فعالیت در این امور در عرصه رسانه محذوری نخواهد داشت. به عنوان نمونه برخی موارد از حرمت غیبت مستثنا گردیده اند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۱۴) به عنوان نمونه کسی که ایمان ندارد، غیبتش شرعاً حرام نیست، (قزوینی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۶۰) لذا در عرصه رسانه می توان به آسانی و به عنوان حکم اولی در مورد کفار غیبت نمود، بدون آن مرتکب فعل حرامی گردید، مگر آنکه عنوان ثانوی برای آن همچون اشاعه فحشا پدید آید تا متصف به حکم حرمت گردد. اما در مواردی که حکم اولی به تنهایی موجود است، غیبت نمودن شرعاً جایز است، چنانکه اگر شخصی متجاهر به فسق است و ابایی از ارتکاب افعال حرام ندارد، می توان از او غیبت نمود. البته در رابطه با متجاهر فسق نیز گاهی بایستی به برخی موارد دقت نمود از جمله این که ممکن است جواز غیبت از متجاهر به فسق تنها در همان موردی باشد که وی ابای از ارتکاب آن به صورت علنی ندارد و در مورد معاصی دیگر که سعی در حفظ آبروی خود نسبت به آن دارد ممکن است غیبت نمودن جایز نباشد و احتیاط نمودن ضروری گردد.

مورد دیگر از مستثنیات غیبت جایی است که مظلومی مورد ستم قرار گیرد که می تواند از ظالم غیبت نماید تا آبروی ظالم به جهت ظلمی که نموده از بین برود. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۴۵)

احکام فقهی الزامی در فضای مجازی به طور کلی در دو عرصه حکم اولی و ثانوی قابل طرح است که در ادامه به برخی از مصادیق هر یک مورد بررسی قرار می گیرد چرا



که شناخت احکام فضای مجازی نقشی بسزا در تعیین وظایف فعالان فضای مجازی ایفا می‌نماید چه بسا افرادی که بی‌اطلاع از چنین احکامی هستند و خود را مروج و مدافع دین می‌دانند، در حالی که در واقع مرتکب امور خلاف شرع می‌گردند، بدون آنکه از چنین مسأله‌ای باخبر باشند.

۱. احکام اولی در فضای مجازی

۱-۱. احکام اولی و جویی در فضای مجازی

احکام شرع به طور کلی به احکام اولی و ثانوی تقسیم می‌گردد؛ احکام اولی مربوط به شرایط عادی است، بدون آنکه امر دیگری با آن تزاخم نماید. احکام ثانوی نیز مربوط به شرایط خاص است به‌گونه‌ای که با حکم اولی تزاخم می‌نماید و بر آن مقدم می‌گردد. به‌عنوان نمونه روزه گرفتن برای انسان‌های عادی واجب است، اما شخص ناتوان از چنین حکمی مستثنا می‌گردد و حکم ثانوی عدم وجوب برای او قرار داده می‌شود. در مباحث پیش رو مقصود از حکم اولی با تعریفی که صورت پذیرفت مطابقت دارد، اما مقصود از حکم ثانوی اعم از تعریف صورت پذیرفته است، چراکه مقصود از حکم اولی در این بخش حکمی است که در شرایط عادی وجود دارد و در شرایط خاص به جهت اهمیت مضاعف آن بر احکام اولی دیگر مقدم می‌گردد. به‌عنوان مثال، حفظ نظام اسلامی یکی از واجبات است که در شرایط عادی وجود دارد و از احکام اولی محسوب می‌گردد و در شرایطی که با احکام اولی دیگر همچون حرمت غیبت از اشخاص تزاخم نماید بر آن‌ها مقدم می‌گردد و در چنین موارد تزاخمی، به حکمی که به جهت اهمیت بیشتر بر حکم دیگر مقدم می‌گردد، حکم ثانوی اطلاق می‌گردد.

حقوق ایجابی در فضای رسانه، موارد گوناگونی را شامل می‌شود که از جمله آن‌ها احترام گذاشتن به مؤمن و قضای حاجات او است که باید به تبیین مصادیق آن پرداخت و فعالان فضای مجازی را نسبت به آن ملزم نمود. به‌عنوان نمونه اگر شخصی در فضای رسانه مسیر اشتباهی را ببیماید، افراد دیگر که توانایی هدایت او را دارند باید از او دستگیری نمایند؛ اگر شخص مذکور نسبت به راه درست جهل داشته باشد باید او را ارشاد نمایند و اگر نسبت به مطلب حقی علم دارد، اما در فضای رسانه

در جهت خلاف آن حرکت می‌نماید، باید او را امر به معروف و نهی از منکر نمایند. تفاوت ارشاد جاهل با امر به معروف و نهی از منکر گاهی در این است که در مورد دوم در برخی موارد، همچون وجود احتمال تأثیر به جهت علم مخاطب نسبت به معروف باید به او دستور داد، اگر در چنین مواردی امر به معرف به صورت درخواست و تمنا صورت پذیرد، به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل نشده است، بلکه باید به طور قاطع با شخص متخلف برخورد نمود، مگر آنکه چنین برخوردی احتمال تأثیر نداشته باشد که باید از راه‌های دیگری، همچون بهره‌گیری از ملامت و مهربانی، شخص متخلف را از امر خلاف بازداشت. (وکیلی، ۱۳۹۶، ص ۲۱)

یکی دیگر از احکام وجوبی در باب فضای رسانه این است که فعالیت‌های مجازی افراد مؤمن تا جایی که ممکن است حمل بر صحت گردد^{۳۱} (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۲) و اگر عیبی در فعالیت‌های آن‌ها در عرصه رسانه مشاهده می‌گردد، به جای آنکه به صورت علنی نشان داده شود، به صورت شخصی و خصوصی تذکر داده شود، زیرا چنین برخوردی با دستور روایات مبنی بر نصیحت و خیرخواهی نسبت به مؤمنان و هدیه نمودن عیب‌ها مطابق است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۶۵) از جمله حقوق برادر مؤمن آن است که اگر مورد غیبت قرار گرفت سایر مؤمنان باید از او دفاع نمایند.^{۳۲} (علی بن ابی طالب، ۱۴۱۴، ص ۴۳۱) البته نسبت به افرادی که دائماً یا غالباً در فضایی سیر می‌کنند تا موجبات تزلزل در اعتقادات دینی را در عرصه رسانه برای مخاطبان فراهم آورند، جایی برای حمل افعال این افراد بر صحت باقی نمی‌ماند و نباید نگاهی خوشبینانه به مواضع آن‌ها داشت.

۱-۲. احکام اولی تحریمی در فضای مجازی

از جمله مواردی که در فضای رسانه موجب می‌گردد حقوق مؤمنان رعایت نگردد، مواردی است که به حقوق تحریمی مربوط می‌شود. در میان حقوق تحریمی و سلبی، حکم برخی موارد اختلافی و حکم برخی دیگر اتفاقی است. مثلاً در رابطه با بهتان و تهمت زدن به افراد کافر، نظرات متفاوتی در رابطه با جواز و عدم جواز مطرح می‌گردد؛ اما از جمله احکام مسلم، حقوقی است که برای افراد مؤمن مطرح می‌گردد که رعایت



این حقوق شامل فضای مجازی نیز می‌گردد و باید نسبت به رعایت آن‌ها اهتمام ورزید. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۷)

۱. **هتک حرمت:** حقوق تحریمی شامل مواردی همچون غیبت کردن، تهمت زدن، آزردن خاطر کردن، کشف و افشاء سر مؤمن می‌شود. در فضای رسانه‌ای امروز، هتک حرمت تبدیل به امر متداولی شده و افراد در قالب روشنگری به انجام چنین منکراتی می‌پردازند که نه نشر و اشاعه آن جایز است و نه مطالعه آن‌ها؛ چرا که هر دو عمل موجب هتک حرمت نفوس محترم می‌گردد. به عنوان نمونه، در رابطه با غیبت، مستمع غیبت در لسان ادله مجازاتی بدتر از غیبت‌کننده دارد، زیرا مستمع غیبت، موجب می‌شود تا عمل غیبت‌کننده به ثمر بنشیند و اگر مستمعی برای شنیدن غیبت وجود نداشته باشد، غیبتی نیز محقق نمی‌گردد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۲۲۶) زمانی که استماع غیبت چنین حکمی دارد، حکم بازنشر مطالب دروغین در فضای مجازی نیز روشن خواهد بود. از آنجاکه حجم وسیعی از مدیران جامعه اسلامی مسلمان و مؤمن هستند، به گونه‌ای که سعی در حفظ آبروی خود دارند و متجاهر به فسق نیستند، غیبت از آن‌ها مصداق هتک حرمت خواهد بود. تنها در صورتی می‌توان آن‌ها را در زمره مستثنیات غیبت قرار داد و احترامی برای آن‌ها قائل نبود که به تعبیر روایت پرده حیا را بیفکنند. (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۵) لذا نمی‌توان به حسب حکم اولی، منکرات افراد را مطرح نمود و در صورت طرح آن توسط غیر، نمی‌توان آن را نشر داد. از آنجاکه بسیاری از مطالبی که در فضای مجازی مطرح می‌گردد شایعاتی بی‌اساس هستند، نمی‌توان به مطالعه چنین فضایی پرداخت و آن را نشر داد. لذا عمل افرادی که در فضای رسانه، برخی دیگر را تحت عنوان طنز یا کاریکاتور مسخره می‌نمایند، به حسب حکم اولی حرام خواهد بود. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به عایشه که با اشاره دست، کوتاه قدی زنی را مورد تمسخر قرار داد، حقیقت ظلمانی غیبت را به اعجاز نشان دادند در حالی که از قد کوتاه آن زن همگی با خبر بودند و می‌دیدند، اما به جهت تحقیر در حکم غیبت قرار گرفت. (برقی، ۱۳۷۱، ص ۴۶۰-۴۶۱)

۲. **کذب و افترا:** عامل دیگری که موجب می‌گردد موضوع حرمت را در فضای مجازی شکل دهد، کذب و افترا است. دروغ گفتن حرام است چه موجب هتک حرمت کسی

بشود یا نه؛ حقوق کسی را زائل نکند یا نه. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹، ص ۲۳۵) بیان مطالب دروغ نیازمند مجوز شرعی است، به عنوان نمونه در مواردی که مصلحت اهمی همچون اصلاح ذات البین وجود دارد، دروغ گفتن تا حدودی جایز می‌گردد. (شعیری، [بی تا]، ص ۱۴۸) یکی از احتمالاتی که در باب نقل خیر وجود دارد این است که اصل نقل خبر به شرطی مجاز است که شخص اطمینان قلبی به آن داشته باشد و یا این که نقل خبر را به گزارش دهنده آن مستند نماید وگرنه ممکن است نقل خبر بدون یقین، مصداق کذب قرار گیرد.

۳. اشاعه فحشا و مکروه: قسم دیگر که در فضای مجازی از کاربرد فراوانی برخوردار است، انواع امور حرامی است که انسان در فضای مجازی به آن دچار می‌شود. در این قسم حق کسی ضایع نگردیده است، اما محتوایی که در فضای رسانه وجود دارد به گونه‌ای است که اشاعه آن شرعاً حرام است که خود تحت دو عنوان کلی قرار می‌گیرد. **عنوان اول**، اشاعه فحشا و گناه است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۷) که در چنین موردی حتی اگر محتوا صادقانه باشد و به امور حق الناس مرتبط نگردد و یا در صورت ارتباط آن با حق الناس از اموری باشد که گزارش آن حلال باشد، اما ذات چنین امری حرام است. خداوند متعال در قرآن کریم گروهی را که تنها رواج گناه در جامعه را دوست داشتند سرزنش می‌نماید.^{۳۳} (نور/۱۹) اشاعه و ترویج گناه بدین معنا است که قبح اقسام گناه ریخته شود. چنین اتفاقی زمانی روی می‌دهد که گناهکار پس از انجام گناه، آن را برای دیگران تعریف نماید، در نتیجه انجام آن امری عادی تلقی گردد و غیرت مخاطب نسبت به گناه مذکور کاسته شود. اشاعه فحشا، در واقع گناهی جدید است که پس از ارتکاب گناه پیشین روی می‌دهد. به همین دلیل اگر فرد مسلمان مرتکب گناهی گردید، باید آن را پنهان نماید و در خلوت خود با خداوند متعال از آن توبه نماید. براین اساس گزارش انواع فساد و فحشا، روابط جنسی نامشروع و اموری همچون قتل عمد در جامعه، مصداق عنوان حرام می‌گردد و هر عملی که مصداق عادی سازی گناه قرار گیرد به حسب حکم اولی، شرعاً حرام است. (ر.ک. طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۳۲)

عنوان دوم، اشاعه مکروه یا اشاعه ترک مستحب است که خود به حسب دامنه



اشاعه آن مصداق یکی از عناوین حرام است. شارع مقدس برای فرهنگ سازی آدابی را برای جامعه اسلامی مقرر می نماید، بدون آن که حکم الزامی برای آن جعل نماید و تنها در نزد شارع مطلوبیت دارد. در چنین حالتی اگر کسی در مقابل اراده شارع بایستد، چنین عملی مصداق عنوان حرام قرار می گیرد. به عنوان نمونه از آداب اسلامی پوشیدن لباس بلند است یا این که طلاق به راحتی صورت نپذیرد (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۷) و یا این که از آوردن فرزند ترسی نداشته باشند. (شعیری، [بی تا]، ص ۱۰۱) اگر در مقابل این آداب، عده ای به ترویج فرهنگ متضاد با چنین آدابی بپردازند، چنین عملی نیز حرام خواهد بود؛ اگرچه نفس آن عمل، دارای حکم الزامی نباشد، اما ترویج آن به منزله مقابله با اراده شارع و قداست زدایی از فرهنگ دینی تلقی می شود که در چنین حالتی آن عمل حرام می گردد. چنانکه یکی از احکام شرعی آن است که اگر در شهری هیچ کس به صورت علنی اذان نگفت، بر حاکم شهر واجب می گردد که کسی را به عنوان مؤذن اجیر نماید تا اذان را به صورت علنی در شهر بگوید تا فرهنگ اذان گفتن از میان نرود؛ بنابراین در حالی که حکم نفس اذان گفتن واجب نیست، اما حفظ چنین فرهنگی واجب است. (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۲۷۷)

براین اساس در فضای مجازی باید دقت نمود که برخی از امور ذاتاً برخوردار از حکم الزامی نیستند، اما ترویج و اشاعه آن حکمی مستقل از نفس فعل دارد. چنانکه طلاق دادن ممکن است برای شخص حرام نباشد؛ اما ترویج فرهنگ طلاق در جامعه و تقدس زدایی از آن، عنوان مستقلی است که مخالف با اغراض شارع مقدس است و به طور قطع حرام خواهد بود. نمونه بارز دیگر در این زمینه، حرمت ترویج فرهنگ کفر و باطل است، در حالی که نفس افعالی که توسط چنین فرهنگی رخ می دهد ممکن است حرام نباشد، اما از آنجا که در مجموع نمایش چنین آدابی موجب کنارگذاشتن آداب اسلامی و تغییر سبک زندگی می گردد، تماشای فیلم هایی که ساخته کفار است متصف به حکم حرمت می گردد.

۲. احکام ثانوی در فضای مجازی

مصالح جامعه اسلامی یکی از اغراضی است که در فضای رسانه همواره باید مورد توجه قرار گیرد. در برخی موارد، رعایت مصالح منجر به جعل احکام اولی می شود که با

احکام اولی دیگر تزام نمی‌نماید و گاهی چنین تزامی رخ می‌دهد. در حالت دوم از آنجا که مصلحت جامعه اسلامی نسبت به مصالح شخصی و جزئی از اهمیت بیشتری برخوردار است، در صورت تزام، اهم بر مهم مقدم می‌گردد و مصالح شخصی کنار گذاشته می‌شود و از طریق آن مصالح کلان جامعه اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه، اگر انسان خلافکاری ضربه مهلکی به جامعه اسلامی وارد نماید، اما ظواهر امور را نیز رعایت نماید از لحاظ حکم اولی، غیبت او جایز نیست، اما از لحاظ رعایت مصالح جامعه اسلامی غیبت او جایز و حتی واجب می‌گردد. در چنین مواردی که میان دو حکم تزام رخ می‌دهد، حکمی که مطابق با مصالح جامعه اسلامی است، لازم‌الاجرا می‌گردد و احکام اولی جزئی و شخصی در موارد تزام با احکام ثانوی کلی کنار گذاشته می‌شود. (صافی گلپایگانی، [بی‌تا]، ص ۵)

یکی از بارزترین مصادیق مصالح جامعه اسلامی، حق اسلام و حکومت اسلامی است (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۷۳) که همواره باید در فضای رسانه مورد توجه قرار گیرد، چراکه یکی از مهم‌ترین حقوق شرعی واجب تلقی می‌شود. اسلام و حکومت اسلامی از شخصیت حقوقی برخوردارند که موجب می‌گردد وظایفی لازم‌الرعايه بر عهده مکلف قرار گیرد. از جمله گناهان کبیره، تضعیف اسلام و حکومت اسلام است؛ (خلخالی، ۱۴۲۲، ص ۵۸۳) چراکه چنین عملکردی موجب تقدس‌زدایی از دین مبین اسلام و حکومت اسلامی - که ضامن اجرای احکام اسلامی است - می‌گردد. با توجه به چنین مسأله‌ای می‌توان بسیاری از اتفاقاتی را که در فضای مجازی رخ می‌دهد از لحاظ احکام فقهی مورد بررسی قرار داد، چراکه در چنین فضایی حجم زیادی از گزارش‌های درست و نادرست قرار می‌گیرد که موجب بدبینی مردم نسبت به حکومت اسلامی می‌گردد؛ از آنجا که چنین حالتی موجب تضعیف اسلام و حکومت اسلامی است، چنین گزارش‌هایی متصف به حکم حرمت می‌شوند. گزارش‌هایی که عاری از هرگونه کذبی هستند نیز ممکن است متصف به حکم حرمت گردند، بدین صورت که در گزارش‌ها، تنها ابعاد منفی جامعه اسلامی یا حکومت اسلامی بیان گردد و به ابعاد مثبت آن توجه نشود. علت حرمت چنین گزارش‌هایی را باید در پدید آوردن حس بدبینی نسبت به جامعه و حکومت اسلامی و تضعیف آن و تقویت جبهه کفر و باطل جستجو نمود.

نتیجه‌گیری

در دین مبین اسلام هدف از انجام هر عملی، باید در راستای حرکت به سمت خداوند متعال و عمل به وظیفه عبودیت و بندگی باشد. بر این اساس فعالان رسانه، پیش از ورود به فضای رسانه باید به دنبال انجام چنین غرضی باشند که انجام آن از طریق خودسازی و مقدم نمودن آن بر جامعه‌سازی صورت می‌پذیرد، چراکه فعالان رسانه در جبهه اسلام به دنبال ابلاغ پیام اسلام هستند تا روح مخاطبین را به سمت حقیقت سوق دهند؛ چنین تأثیراتی جز از طریق اخلاص و برقرار نمودن ارتباط خاص با خداوند متعال محقق نمی‌گردد.

احکام فقهی فعالان رسانه به طور کلی به احکام اولی و جوبی و تحریمی تقسیم می‌گردد که در مقابل آن احکام ثانوی قرار می‌گیرد. در صورت تقابل این احکام با یکدیگر احکام ثانوی مقدم می‌گردند؛ چنانکه مصالح جامعه اسلامی موجب جعل احکامی اولی و ثانوی می‌گردد، بدین صورت که در صورت تراحم آن با حقوق جزئی و شخصی - که از احکام اولی‌اند - احکام مربوط به حفظ اسلام و حکومت اسلامی بر آن مقدم می‌گردد.



۱. «وَقَالَ عَٰلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَكَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْأَمِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكَلُّكُمْ رَاعٍ وَكَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ».
۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ».
۳. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الثُّرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ».
۴. «إِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يَضِلُّكُمْ وَبِإِقِيمِ أَوْدَكُمْ، وَ لَكِنِّي لَا أَرَىٰ إِضْلَاحَكُمْ بِإِفسَادِ نَفْسِي».
۵. «سمعت أبا عبد الله ع يقول إن الله عز وجل بعث نبيا من أنبيائه إلى قومه وأوحى إليه أن قل لقومك إنه ليس من أهل قرية ولا أناس كانوا على طاعتي فأصابهم فيها سرء فتحولوا عما أحب إلى ما أكره إلا تحولت لهم عما يحبون إلى ما يكرهون وليس من أهل قرية ولا أهل بيت كانوا على معصيتي فأصابهم فيها ضراء فتحولوا عما أكره إلى ما أحب إلا تحولت لهم عما يكرهون إلى ما يحبون».
۶. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا».
۷. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ فِي أُمَّتِي زُهْبَانِيَّةٌ وَلَا سِيَاحَةٌ وَلَا زَمٌّ يَعْنِي سُكُوتٌ».
۸. «قال رسول الله ص الخلق عيال الله فأحب الخلق إلى الله من نفع عيال الله وأدخل على أهل بيت سرورا».
۹. «عن أبي جعفر قال قال: يا حسين أنفق وأيقن بالخلف من الله فإنه لم يبخل عبد ولا أمة بنفقة فيما يرضى الله عز وجل إلا أنفق أضعافها فيما يسخط الله عز وجل».
۱۰. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيٍّ ع لِأَنَّ يَهْدِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ مِنْ مَشَارِقِهَا إِلَى مَغَارِبِهَا».
۱۱. «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ».
۱۲. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى».
۱۳. «أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا ع مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقْهِ الْجِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالصَّمْتُ إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ



- الْحِكْمَةَ إِنَّ الضَّمَّتْ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ».
۱۴. «قَالَ مَنْ صَوَّرَ صُورَةَ كَلْفِهِ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَ لَيْسَ بِنَافِخٍ».
۱۵. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».
۱۶. «عن أمير المؤمنين ع أنه قال: من تشبه بقوم عد منهم».
۱۷. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ».
۱۸. «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: حَلَالٌ بَيْنَ، وَ حَرَامٌ بَيْنَ، وَ شُبُهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ، فَمَنْ اجْتَنَبَ الشُّبُهَاتِ نَجَا مِنَ الْمُحَرَّمَاتِ، وَ مَنْ اِزْتَكَبَ الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْمُحَرَّمَاتِ وَ هَلَكَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ»
۱۹. «قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا فِي آخِرِ عُمْرِهِ يَصَلِّي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكْعَةٍ».
۲۰. «إِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يَصِلُحُكُمْ وَ يَبْقِيكُمْ أَوْ دَكَمَ، وَ لَكِنِّي لَا أَرَى إِضْلَاحَكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي».
۲۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ تِمَارِ الْجَنَّةِ وَ مَنْ سَقَاهُ مِنْ ظِلْمًا سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ وَ مَنْ كَسَاهُ ثُوبًا لَمْ يَزَلْ فِي صَمَانِ اللَّهِ مَا دَامَ عَلَى ذَلِكَ الْمُؤْمِنِ مِنْ ذَلِكَ الثُّوبِ هُدْبَةٌ أَوْ سِلْكٌ».
۲۲. «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ».
۲۳. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا».
۲۴. «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ».
۲۵. «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ».
۲۶. «قَالَ إِنَّ الْعَبْدَ يَعْمَلُ الْعَمَلَ الَّذِي هُوَ لِلَّهِ رِضًا فَيُرِيدُ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّهُ أَخْلَصَ لِلَّهِ لَجَاءَهُ الَّذِي يُرِيدُ فِي أَسْرَعِ مِنْ ذَلِكَ».
۲۷. «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ مَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ».
۲۸. «يا أبا ذر إذا دخل النور القلب انفسح القلب و اتسع. قلت فما علامة ذلك بأبي أنت و أمي يا رسول الله. قال ص: الإنابة إلى دار الخلود و التجافي عن دار الغرور و الاستعداد للموت قبل نزوله».
۲۹. «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَ ظَنًّا وَ أَقْوَمُ قِيلاً».
۳۰. «إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا».
۳۱. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي كَلَامٍ لَهُ صَغَ أَمْرٌ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَ

لَا تَطْلُنَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أُخِيكَ سُوءاً وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلاً». .
٣٢. «وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقاً حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ فِي نَكْبَتِهِ وَغَيْبَتِهِ
وَوَفَاتِهِ» .
٣٣. «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» .



منابع و مأخذ

*قرآن کریم

۱. ابن أبی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد [بی تا]، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مكتبة النینوی الحديثة.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. _____ (۱۳۷۸)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان.
۵. _____ (۱۴۰۲)، مصادقة الإخوان، الكاظمیه: مكتبة الإمام صاحب الزمان العامة.
۶. _____ (۱۴۱۳)، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۵)، كشف المحجة لثمره المهجة، قم: بوستان كتاب.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، كتاب المكاسب المحرمة، قم: كنگره شیخ اعظم انصاری.
۱۰. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰)، تفسير البغوی المسمى معالم التنزیل، بیروت: دار إحياء التراث.
۱۱. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، المحاسن، قم: دار الكتب الإسلامية.
۱۲. ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۱۰)، الغارات، قم: دار الكتب الإسلامية.
۱۳. جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام (۱۴۰۰)، مصباح الشریعه، بیروت: انتشارات علمی.
۱۴. جیلانی، محمد بن محمد (۱۴۲۹)، الذریعة إلى حافظ الشریعة، قم: دار الحدیث.
۱۵. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین



حوزه علمیه قم.

۱۶. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

۱۷. _____ (۱۴۱۴)، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام.

مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

۱۸. خلخالی، سید محمد مهدی (۱۴۲۲)، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، قم:

دفتر انتشارات اسلامی.

۱۹. رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن،

مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.

۲۰. راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹)، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام

مهدی عنه السلام.

۲۱. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱)، التفسیر المنیر فی العقيدة و الشريعة و المنهج، دمشق:

دار الفکر.

۲۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل،

بیروت: دار الكتاب العربی.

۲۳. شعیری، محمد بن محمد [بی تا]، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریة.

۲۴. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۰)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة،

قم: کتابفروشی داوری.

۲۵. صافی گلپایگانی، لطف الله [بی تا]، ثلاث رسائل فقهیة، قم: دفتر آیت الله

صافی.

۲۶. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی

الله علیهم، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی.

۲۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه

مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲)، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی.

۲۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲)، جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه

قم.

۳۰. _____ (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۱. طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۶)، تفسیر طبری، تهران: انتشارات توس.
۳۲. طوسی، محمدبن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۳. علی بن ابی طالب، امام اول علیه السلام (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، گردآورنده: سیدرضی، محمدبن حسین، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
۳۴. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام (۱۴۰۶)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۳۵. فتال نیشابوری، محمدبن احمد (۱۳۷۵)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم: انتشارات رضی.
۳۶. فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
۳۷. قزوینی، سیدعلی (۱۴۲۴)، ینایع الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴)، تفسیر القمی، قم: دار الکتب.
۳۹. کرمی، محمد (۱۴۰۲)، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
۴۱. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۳. مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۶)، روضة المتقین، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامی کوشانبور.
۴۴. مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن (۱۴۲۷)، دیدگاه‌های نو در حقوق، تهران: نشر میزان.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۶. موسوی عاملی، محمدبن علی (۱۴۱۱)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات



شرائع الإسلام، بيروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام.

٤٧. ميبدي، احمد بن محمد (١٣٧١)، كشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امير كبير.

٤٨. نجفي، محمد حسن (١٤٠٤)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٤٩. نوري، حسين بن محمد تقى (١٤٠٨)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.

٥٠. ورام، مسعود بن عيسى (١٤١٠)، مجموعة ورام، قم: انتشارات مكتبه فقيه.

٥١. وكيلي، محمد حسن (١٣٩٦)، بنيادهای اصلاح جامعه اسلامي، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی.

٥٢. _____ (١٣٩٧)، معرفت شناسي، مشهد: مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی.

٥٣. هاشمی خویی، ميرزا حبيب الله (١٤٠٠)، منهج البراعة في شرح نهج البلاغة، تهران: مكتبة الإسلامية.

٥٤. هلالی، سليم بن قيس (١٤٠٥)، كتاب سليم بن قيس، قم: انتشارات الهادي.

Examining the duties of influential activists in cyberspace

*Muhammad Hasan Vakili*¹

*Muhammad DaneshNahad*²

Abstract

One of the basic pillars of the media space is influential activists in such a field who, with their productions, lead the audience to various issues such as religious, political, economic and social issues. The religion of Islam has provided guidelines for the principle of entering such an atmosphere and the extent and scope of entering it, which are themselves divided into macro attitudes, strategies and solutions. The macro attitude of Islamic ethics in cyberspace is the necessity of self-creation because the basic purpose of human creation is worship and moving in the path of monotheism; Islam's strategy to achieve such an attitude is to prioritize self-improvement over socialization, and self-improvement strategies in general view is to pay attention to things that in cyberspace cause distance from the world, desire for the hereafter and readiness for death. To achieve such goals, one should pay attention to such things as performing worships at the best of times. In this research, first the macro attitude and strategy of Islam and its philosophy are explained and in the next step, solutions for the realization of the strategy attitude are presented. In the final step, some jurisprudential rulings of media activists will be discussed. Among the results of the research is that media activity without self-improvement is not Helpful; Self-construction takes precedence over socialization because perfectionism is inherent in human beings and no human being puts the interests of others before his own harm, and media activists on the right Battle seek to influence the soul of the audience, which is only possible through sincerity.

Keywords: cyberspace, Islamic ethics, self-creation, jurisprudential rules of media.

1. Lecturer of four levels of Khorasan seminary

2. Students at the level of three seminaries in Khorasan (Responsible author)